

Mismanagement in the Qajar Iran: *Āstān-i Quds-i Radhawī* Organization, Administration of the Shrine of Imam Ridhā (AS), 1916-1918/1334-1335 AH

Mohammad Ali Kazembeyki*


Abstract

The inefficiency of the bureaucratic administration in the Qajar era is not an issue, especially as it was quite evident in the last decades of life of this dynasty in various forms. There is enough information available on the failure or fault of the ministries and their staff in the first decades of the twentieth century/1320s and 1330s AH. However, the incompetence of the offices under the direct supervision of the Shah has received less attention. The present study is concerned with investigating theft of a copy of the Quran writing of which attributed to Imam Sadjdīād (AS) from above the tomb of Imam Ridhā (AS) that was under management of Administration of the Shrine of Imam Ridhā (AS) or *Āstān-i Quds-i Radhawī* Organization, (1334-1335 AH). Having religious nature, this case, as expected, became the hot news of the press. The incident raised also the issue of managing and overseeing the *Āstān-i Quds* Organization which outside the realm of government, was one of institutions under the Shah's direct responsibility. As a result of this theft, *Āstān-i Quds* management's shortcomings were taken seriously. The findings of the present study indicate that what happened was the result of chronic mismanagement in the important religio-politico establishment of *Āstān-i Quds*, which was headed by the Shah himself. Although public awareness of *Āstān-i Quds* inefficiency paved the way for structural reforms in the organization, this was not realized at the appropriate time.

Keywords: The Qajars, Administration of the Holly Shrine of Imam Ridhā (AS), Quran Manuscripts, Management, Khurasan.

* Associated professor of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran, mabeyki@ut.ac.ir

Date received: 17/5/2020, Date of acceptance: 3/10/2020

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ ه. ق.)

محمدعلی کاظم بیکی*

چکیده

ناکارآمدی تشکیلات اداری در عصر قاجاریه موضوعی پوشیده نیست، بویژه آن که در واپسین دهه های عمر این سلسله به اشکال مختلف کاملاً به چشم می آمد. در مورد قصور یا تقصیر وزارتخانه ها و کارکنان آنها در دهه های نخستین سده بیستم/دهه های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ ه. ق اطلاعات کافی در دست است. با وجود این، بی کفایتی اداراتی که تحت نظارت مستقیم شاه قرار داشتند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی سرقت قرآنی منسوب به حضرت سجاد (ع) از درون ضریح امام رضا (ع) اختصاص دارد که تحت مدیریت تشکیلات آستان قدس رضوی قرار داشت. این مورد با داشتن طبیعت دینی، همان گونه که انتظار میرود، خبر داغ مطبوعات گردید (۱۳۳۴-۱۳۳۵ ه. ق). این رویداد همچنین موجب طرح موضوع اداره تشکیلات آستان قدس و نظارت بر آن شد که بیرون از حیطه دولت، از مؤسساتی بود که در حوزه مسئولیت مستقیم شاه قرار داشت. در پی این سرقت کاستی های مدیریتی آستان قدس به گونه ای جدی مورد توجه قرار گرفت. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که آنچه رخ داد نتیجه سوء مدیریت مزمن در تشکیلات دینی - سیاسی مهم آستان قدس بود که تحت ریاست شخص شاه قرار داشت. اگر چه اطلاع عموم از ناکارآمدی آستان قدس راه را برای اصلاحات ساختاری در این تشکیلات هموار می کرد، این مهم در همان فرصت مناسب محقق نگردید

کلیدواژه‌ها: قاجاریه، آستان قدس رضوی، نسخ خطی قرآن، خراسان

* دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، mabeyki@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۲



۱. مقدمه

برای مخاطب ایرانی جایگاه دینی و مرتبت مذهبی ثامن الحجج شمس الشموس حضرت علی بن موسی الرضا (ع) و در نتیجه تقدس مرقد مطهر آن حضرت موضوعی مستغنی از توضیح و تشریح است. اگر چه مطالعات در باره حرم حضرت رضا (ع)، آثار و ابنیه وابسته به آن متعدد و غنی است،^۱ اما کارنامه تاریخی تشکیلات گرداننده این بقعه شریف در زمینه هایی چون مدیریت، وظایف، ساختار اداری، منابع مالی و نیز نقش سیاسی-اجتماعی (در سطح ایالتی و ملی) کمتر مورد توجه پژوهشگران و موضوع تحقیقات مستقل قرار گرفته است. در سده بیستم/سیزدهم هجری قمری ناکارآمدی و سوء استفاده مأموران در ایران، افزون بر وزارتخانه ها، در تشکیلات اداری مربوط به شخص شاه هم به چشم می خورد. در این رابطه می توان به جعل اسناد در مورد خالصجات اشاره کرد که از طریق آن اراضی سلطنتی به عنوان خالصجات انتقالی به مالکیت افراد درمی آمد.^۲ این سوء مدیریت در سایر ادارات مربوط به شاه نیز وجود داشت، چنان که در منابع از سرقت و فروش غیر قانونی جواهرات سلطنتی در بازار تهران یاد شده است (۱۳۳۳ ه. ق) ("جواهرت سلطنتی"، شهاب ثاقب، ۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳). در میان این گونه اقدامات باید به سرقت و فروش آن دسته از کتابهای کتابخانه سلطنتی اشاره کرد که دارای ارزش هنری بودند، موضوعی که مقالات متعددی را به خود اختصاص داده است (قاضیها، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۲۷۴؛ قاضیها، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۵۵؛ کیانفر، ۱۳۸۳: ۲۷۵-۲۸۶؛ بهزادی، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۹۱). پژوهش کنونی به مطالعه عملکرد تولید آستان قدس در سالهای ۱۳۳۴-۱۳۳۵ ه. ق اختصاص دارد که جدای از حیطة دولت، زیر نظر مستقیم شاه قرار داشت.

۲. قاجاریه و آستان قدس

سخن در مورد آستان قدس را باید از توجه خاص و منظم شاهان صفوی به "روضه رضیه رضویه" شروع کرد که مسئولیت تمشیت امور آن را به خویش اختصاص داده و این وظیفه را به نماینده خود (نایب/تولییه) با لقب متولی محول می کردند که مسئولیت خدمت به زائران، اداره ابنیه، سازمانهای زیر مجموعه و موقوفات رو به گسترش و نیز ریاست ابوابجمعی پرشمار روضه رضویه را بر عهده داشت. متولی روضه رضویه به تناسب این وظایف از اختیارات و نیز مواجب نسبتاً چشمگیری برخوردار بود. به گفته میرزا رفیعا حق التولییه او ۱۰٪ درآمد بود (دانش پژوه، ۱۳۴۷: ۶۶). با توجه به داعیه های عقیدتی این

شاهان، تولیت روضه رضویه تدریجا دارای اهمیتی سیاسی شد، بویژه آن که در پی زوال صفویان و در غیاب یک قدرت سیاسی مقتدر که از تغییر سریع سلسله های حاکم بر ایران ناشی می شد، نقش متولی روضه رضویه، با داشتن جایگاهی معنوی و منابع مالی، در امور سیاسی دست کم در سطح ایالت خراسان اهمیت بیشتری یافت. در این زمینه می توان به اقدام میرزا سید محمد مجتهد (نواده دختری شاه سلیمان صفوی) متولی آستان قدس اشاره کرد که نمونه ای جالب توجه است. وی با اختیار لقب شاه سلیمان، به دستگیری و کور کردن شاهرخ میرزا افشار مبادرت ورزید تا نشانه نقش سیاسی متولی روضه رضویه رضیه رضوی باشد (۱۱۶۲ هـ. ق/ ۱۷۴۹) (Sykes, 1951: II: p. 276; "Meshed," 1910, I p. 517).

شکل گیری سیاست قاجاریه در مورد تولیت آستان قدس بیش از هر چیز به عملکرد سیاسی ریاست (متولی باشی) تشکیلات آستان قدس رضوی باز می گشت که پس از سقوط زندیه، عملا قدرت اصلی را در ایالت گسترده و راهبردی خراسان در دست داشتند و به پشتوانه نفوذ خود در امور سیاسی مداخله می کردند. چنان که در برابر دست اندازی نادر میرزا افشار، مدعی سلطنت، به ثروت آستان قدس راه مقاومت را در پیش گرفتند. (خاوری: ۱۳۸۰: ۱۷۸) ظاهرا این تجربه کافی بود که عباس میرزا ولیعهد در زمان قشون کشی به شرق ایران، در مشهد میرزا محمدعلی رضوی (پسر میرزا ابوطالب رضوی متولی باشی) را که از پیش متولی آستان قدس بود، عزل کند و حاجی میرزا موسی خان، برادر میرزا ابوالقاسم فراهانی را به جای او بگمارد (۱۲۴۸ هـ ق) (خورموجی، ۱۳۴۵: ۲۱؛ Watson, 1866: 135). البته این بدان مفهوم نیست که دست خاندان رضوی از آستان قدس کوتاه گردید (نک. دنباله). هنگامی که پس از مرگ حاجی میرزا موسی خان، آصف الدوله والی خراسان با جلوگیری از استقرار حاجی میرزا عبدالله خوبی، متولی باشی جدید منصوب محمد شاه، به میل خود منصب تولیت آستان قدس را هم به خود اختصاص داد، تهران از از تجمیع حکومت و تولیت در خراسان احساس خطر کرد (۱۲۶۲ هـ. ق)، بویژه آن که به زودی حسن خان سالار، پسر آصف الدوله، با علنی کردن شورش خود در خراسان، ثروت آستان قدس را نیز در خدمت جاه طلبی خود درآورده بود (خورموجی، ۱۳۴۵: ص ۳۳؛ لسان الملک سپهر، ۱۳۳۷، ج ۲، ۱۷۲-۱۷۳ و ج ۳، ۸۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۶۷۸، ۱۶۹۹؛ Watson, 1866: 343).

ناصرالدین شاه پس از سرکوبی شورش حسن خان سالار، سیاستی دوگانه را در قبال خراسان در دستور کار خود قرار داد. بنا بر این سیاست، در خراسان قدرت دنیوی در دست

حاکم ایالت بود که از جانب شاه منصوب می شد. با تغییر هر حاکم قدرت به نفر بعد انتقال می یافت که او نیز همانند اسلافش فاقد قدرتی دائمی بود. هم زمان با حکام، قدرت معنوی در ایالت در اختیار متولی باشی قرار داشت که گرچه کارگزار امام (ع) محسوب می شد، شخص شاه او را برمی گزید. متولی باشی در تشکیلات اداری کشور مستقل از دولت بود و تحت نظارت شخص شاه انجام وظیفه می کرد و به قولی "نیمه دولتی و نیمه مذهبی" شده بود (مستوفی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۴۱). وی افزون بر رتق و فتق امور آستان قدس، بر اعمال حاکم خراسان نیز نظارت داشت (Watson, 1866: 343). دامنه سیاست دو گانه شاه خود حرم را نیز شامل می شد و از این رو، متولی باشی با وجود اختیارات تقریباً مطلق در حرم و منطقه "بست" آن، همواره یک قائم مقام داشت که به شکل موروثی به یکی از سادات رضوی تعلق می گرفت که پیشتر به سابقه تولیت ایشان اشاره شد. قائم مقام که بر رفتار و اقدامات متولی باشی نظارت می کرد، در عمل ریاست اجرایی یک کمیته از مسئولین آستان را عهده دار بود (Meshed, 1910: 520). بدین ترتیب، راهبرد دو گانه ناصرالدین شاه توازن قدرت دنیوی و معنوی در خراسان را مورد نظر داشت. اگر چه نظام دو گانه مستلزم واگذاری حکومت و تولیت به دو شخص بود، در مواقعی هر دو منصب در یک جا جمع و به یک نفر داده می شد که علی القاعده می بایست سخت مورد وثوق شاه باشند. به عنوان نمونه میرزا حسین خان سپهسالار و محمدتقی میرزا رکن الدوله هم زمان والی خراسان و متولی آستان قدس بودند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱-۱۳۰۳، ج ۲: ۳۷۹). بدین ترتیب، متولی باشی، با وجود جایگاهی معنوی، ضرورت نداشت که از طبقه علما باشد. در عمل نیز مقامات سالخورده دولت که دیگر کارآیی گذشته را نداشتند، برای تولیت آستان قدس برگزیده می شدند (مستوفی، ۱۳۴۳، ج ۱: ۱۳۰). به گفته عبدالله مستوفی تا اواخر سده نوزدهم میلادی، برخی از متولی باشی ها به موازین شرع پایبندی داشتند و برای مصرف درآمد موقوفات در موارد غیر منصوص از نظر مجتهدها پیروی می کردند (مستوفی، ۱۳۴۲، ج ۲: ۴۰-۴۱).

آستان قدس دارای تشکیلات اداری و سلسله مراتب خاص خود بود که در صدر آن متولی باشی قرار داشت. در منابع دهه ۱۳۳۰ ه. ق افزون بر قائم مقام به مقاماتی چون نایب التولیه، معاون التولیه، نظام التولیه، معتمد التولیه، اعتماد التولیه، منشی، وزیر دفتر، مدیر دفتر، صدیق دفتر، معین دفتر، مشرف کل، رئیس دفتر مشرف، نایب الزیاره، صاحب اختیار، امین موقوفات، خزانه دار، کتابدار، صحفباشی، مذهب باشی، خوشنویس باشی، دربان باشی کل،

دریانه‌های کشیک، دربان، خدام، فراش، دربان، جاروب کش ... در تشکیلات آستان قدس اشاره شده است که نشانه تقسیم کار و وجود سلسله مراتب در آن است. افزون بر این، در ۱۹۱۰ حرم دارای ۲۰ مجتهد و همین تعداد مأمور عالی رتبه دیگر بود. خدمات آستان قدس در پنج کشیک ارائه می شد که هر کشیک حدود ۱۷۰ مأمور داشت ("Meshed," 1910: 521). آستان قدس همچنین دارای مؤسساتی چون شفاخانه، کتابخانه، خبازی و ... نیز بود. بنا بر شواهد موجود، تعداد شاغلین در آستان قدس ثبات نداشت و در طول زمان دستخوش تغییر می شد. تعداد این کارکنان از مجموع ۱۲۰۰ نفر در ۱۳۰۰ ه. ق^۵ به ۲۰۰۰ نفر در ۱۳۰۶ ه. ق و سپس به یک روایت به ۳۰۰۰ نفر در ۱۳۳۵ ه. ق رسیده بود.^۶ با مقایسه این ارقام با مفاد سالنامه های عصر ناصری می توان دریافت که تشکیلات آستان قدس از برخی از وزارتخانه های وقت گسترده تر بود و کارکنان بیشتری داشت. مدیریت چنین تشکیلاتی کاری آسان نبود، بویژه آن که افزون بر نگاهداری و تعمیرات بارگاه، سرپرستی مؤسسات وابسته و موقوفات آن، امور مالی مربوط به دخل و خرج در کنار کارکرد مذهبی - سیاسی آستان نیز در حوزه وظایف متولی باشی قرار می گرفت. دیگر ویژگی این تشکیلات، تمرکز آن نه در پایتخت بلکه در فاصله دوری از شاه و در شهر مشهد بود، هر چند که موقوفات رو به ازدیاد بارگاه در سراسر ایران یافت می شد. آنچه که نظارت بر مدیریت متولی باشی و کارآیی تشکیلات آستان قدس را در نیمه دوم عصر قاجاریه دشوارتر می کرد، آشفتگی امور کشور بود. به گفته عبدالله مستوفی پس از ناصرالدین شاه، "هر دم بیلی کارهای مالی دولت باین کار نیمه دولتی [یعنی آستان قدس] هم سرایت کرده [بود]." (مستوفی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۴۱).

از منظر منابع مالی، آستان قدس به سبب وابستگی به اراضی کشاورزی درآمد ثابتی نداشت تا برنامه ریزی برای گسترش، کارآمدی، ایجاد تحول و ارتقای آن آسان باشد. از این رو تشکیلات آستان دارای سنتهای خاص خود و محافظه کار بود. بخشی از درآمد آن به نیات واقفین بازمی گشت که فهرستی از موقوفات آنها به نقل از آقا میرزا محمد شفیع قزوینی ملقب به اعتماد التولیه، از مقامات تشکیلات آستان قدس (زنده در ۱۳۰۱ ق)، در دست است. بنا بر این فهرست، بودند رقباتی که درآمد آنها به موجب کارکنان حرم امام رضا (ع) اختصاص داشت (فاضل بسطامی، ۱۳۹۰: ۴۱۳ به بعد بویژه ۴۲۱-۴۲۳). چنین می نماید که درآمد مذکور و مدیریت ناکارآمد مانع از تکافوی منابع مالی برای هزینه تشکیلات

رو به گسترش آستان باشد. گزارشی جالب توجه در مورد درآمد و هزینه این تشکیلات در عصر ناصری به خامه اعتماد السلطنه در دست است:

دخل روضه حضرت رضا سلام الله علیه زیاد است، نه آن قدری که بنظر می آید و علما و مباشرین از آن بیشتر بهره دارند تا خود روضه مقدسه. جواهر و ظروف و فروش و چیزهای دیگر از هر طرف برای روضه هدیه می نمایند، اما آنچه از هدایا تقدیست خدام می برند. میرزا عبدالجواد که از علمای بزرگست گویند: دخل اینجا در عهد شاه سلطان حسین [صفوی] سالی پانزده تومان خراسانی بوده و آن از ابنیه و املاک موقوفه حضرت که در هر ناحیه هست، حاصل می شده ولی این اواخر اوقاف را برده اند و چیز قابلی از آن نمانده و آنچه هست در ظرف سال دو هزار الی دو هزار پانصد تومان است.

آنگاه می افزاید:

خرج این مکان هم زیاد نیست، و اگر چه هفتصد نفر خادم دارد اما اغلب محض ثواب بخدمت مشغولند و مواجبی ندارند یا وجه بسیار قلیلی با گندم می گیرند، زیرا که از ابتدا مستحکم ساخته شده و بالفرض تعمیری هم اتفاق افتد، متمولین مخارج آنرا می دهند. چراغها را هر شب روشن می کنند و شمع آنها مومی است و این یکی از مخارج عمده می باشد.

در مورد سایر منابع و درآمد متولی باشی می نویسد:

از منفعت کاروانسرا و بازار حاصل می شود که وقف روضه مبارکه می باشد ... اطاقهای پایین صحن را هم بطور دکان کرایه می دهند و از این هم مبلغ معتد به حاصل می شود. متمولین ایران هم مبلغ گزافی برای دفن اموات خود در صحن و رواق و زیر حرم می دهند یعنی از بیست الی دویست تومان و زیاده برای دفن یک نفر داده می شود و این دخل تعلق بمتولی دارند نه بروضه مقدسه و متولی برای اداره اعمال متعلقه بحضرت است (۱۳۰۰ هـ. ق) (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱، ج ۲: ۲۵-۲۴).

در باره درآمد آستان قدس تخمین های دیگری نیز در دست است. لرد کرزن آن را هنگفت ذکر کرده و می نویسد که در زمان شاه سلطان حسین صفوی در اوایل سده هیجدهم میلادی/دوازدهم هجری قمری ۱۵۰۰۰ تومان در سال بود. در ۱۲۳۶/۱۸۲۱ هـ. ق فریزر آن را ۲۰۰۰-۲۵۰۰ تومان ذکر کرده است (این ارقام می تواند اشتباه چاپی ۲۰۰۰-۲۵۰۰ باشد؟). در ۱۸۷۸ مجموع درآمد آستان ۴۰۰۰۰ تومان (۱۶۰۰۰ لیره استرلینگ) و اکنون ۶۰۰۰۰ تومان (۱۷۰۰۰ لیره استرلینگ) و ۱۰۰۰۰ خرورار غله است (۱۳۰۶/۱۸۹۹-).

۱۳۰۷ هـ. ق) (Curzon, 1892, II: 162-163). ظاهراً این درآمد در سالهای بعد افزایش داشت. بنا بر فرهنگ جغرافیایی ایران، تهیه شده در ستاد کل ارتش بریتانیا در هندوستان، در ۱۹۱۰ ۱۳۲۸/ هـ. ق این درآمد به ۱۰۰،۰۰۰ تومان بالغ می شد که ۹۵٪ آن از موقوفات و ۵٪ باقیمانده از اجازه دفن افراد به دست می آمد (Meshed, 1910: 521). شاید دقیقترین داده در مورد درآمد آستانه از معتمدالوزاره، رئیس تفتیش آستان قدس، باشد که به گفته او در ۱۳۳۵ هـ. ق عایدات املاک و مستغلات آستان در حدود ۱۶۰،۰۰۰ تومان نقد و ۹،۰۰۰ خروار غله بود. یک دهم این درآمد، حق التولیه سهم شاه بود که به متولی باشی منصوب او پرداخت می گردید. ۷،۰۰۰ خروار گندم آستانه حقوق صاحب منصبان و کارکنان آستانه بود. باقیمانده گندم کفاف خبازخانه را نمی کرد که روزانه افزون بر زوار، جذامی ها، فقرا می بایست نان خدام را تدارک می دید. به گفته او، در آن زمان مسئولین آستان قادر به تنظیم دخل و خرج نبودند (معتمدالوزاره، "جواب سؤال راجع بآستانه رضویه،" رعد، ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۶ هـ. ق). این ناتوانی، چنان که اشاره شد، موضوعی جدید نبود. به گفته فاضل بسطامی، در ۱۳۰۱ هـ ق افزون بر درآمد موقوفات، از سوی ناصرالدین شاه سالانه حدود ۴۰۰۰۰ تومان وجه نقد و ۱۰-۱۱۰۰۰ خروار آذوقه در اختیار متولی آستان قدس گذاشته می شد تا برای حرم، مؤسسات وابسته به آن و نیز کارکنان تشکیلات آستان قدس رضوی هزینه شود (فاضل بسطامی، ۱۳۹۰: ۴۱۵).

درآمد آستان قدس هر چه بود، نشانه ای در دست نیست که چیزی از آن سهم شاهان قاجار می شد، برعکس، چنان که اشاره شد، اینان متحمل هزینه ساخت و ساز یا تقدیم هدایایی به حرم مطهر نیز می شدند.^۷ در واقع این گونه می نماید که دریافتی ناصرالدین و جانشینانش از آستان قدس به سالانه یک خلعت^۸ و اخذ "پیش کش" از افراد برای انتصاب آنها به منصب دینی - سیاسی متولی باشی محدود می شد که نتیجه سیاست فروش مناصب بود.^۹ به عنوان نمونه، در ۱۳۳۴ سید جواد ملقب به ظهیرالاسلام، پسر سید زین العابدین امام جمعه تهران و ضیاء السلطنه دختر ناصرالدین شاه، که در ۱۳۲۳ هـ. ق/ ۱۹۰۵ دختر مظفرالدین شاه را به همسری خود درآورده بود، بر رغم آمادگی برای پیشکش کردن ۷۰۰۰ تومان به شاه در ازای دستیابی به منصب متولی باشی به این سبب در خواسته خود توفیق نیافت که رقیب با پرداخت مبلغی بیشتر بر او پیشی گرفته بود (Who's Who in Persia, 1923, I: 59).

به مقتضای سیاست دوگانه قاجاریه، متولی باشی با داشتن عده و عده همچنان در خراسان از نفوذ بسیار برخوردار بود و حرف اول را می زد، موضوعی که از چشمان تیز بین اعتمادالسلطنه در ۱۳۰۰ هـ. ق پنهان نماند. وی در باره قدرت متولی باشی آورده است که "اقتدار مذهبی او زیاد می باشد. متولی همیشه با مجتهدین که در این صحن نماز می کنند، متحد و متفق است، چه آنها نهایت مقتدراند و بیش از حاکم و مأمور دولتی مسلط می باشند" (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱، ج ۲: ۲۵).

در محرم ۱۳۳۴ هـ. ق/دسامبر ۱۹۱۵ هنگامی که ظهیرالاسلام در مشهد تولیت آستان قدس رضوی را به عهده می گرفت، شاید هیچ کس نمی توانست مشکلات آتی مسئولیت اخیر او را پیش بینی کند، بویژه آن که از بدو کارش، تشکیلات آستان قدس با مشکل عدم تعادل میان دخل و خرج خود مواجه بود؛ قروض آستان قدس در ۱۳۳۵ هـ. ق. نشانه همین عدم موازنه محسوب می شود (نک. دنباله). ظهیرالاسلام کار خود در مشهد را با برخی گامهای اصلاحی و همچنین مداخله در امور حکومتی و بی ارتباط با آستان قدس آغاز کرد.^{۱۰} در مورد اصلاحات او تعدادی از خدام حرم اقداماتش را از این قرار برشمرده اند:

از بدو ورود تا بحال در تنظیم و ترمیم آستانه فوق العاده کوشیده، از جمله تعمیر خیابانها و مریض خانه و ساختن درب یست مقدس و اجرای آب جاری در داخله عمارات و تعمیرات کلی در بیوتات قریب به انهدام و تحریر بودجه تعیین جمع و خرج که تا کنون معمول نبوده است و اصلاح نموده اند.^{۱۱}

ظهیرالاسلام در تلگرامی به شاه درباره اقدامات خود آورده است که در زمان تحویل گرفتن مسئولیتش، آستان قدس پرداخت ۷۲،۰۰۰ تومان نقد، ۲،۲۰۰ خروار گندم و ۲۹۰ خروار جو را بر ذمه داشت و این که از آغاز تولیت او تا ربیع الثانی ۱۳۳۵ هـ. ق مبلغ ۸،۰۰۰ تومان نقد و ۵،۰۰۰ خروار گندم از بدهی مذکور پرداخت شده بود. ("حسن اقدامات در آستان قدس،" *ایران*، ۲ ربیع الثانی ۱۳۳۵ هـ. ق). با وجود این، به نظر می رسد که اقدامات مذکور تداوم نداشت ("تلگراف از مشهد،" *عصر جدید*، ۳ جمادی الثانی ۱۳۳۵). به گفته مفتش آستان قدس، معتمدالوزاره، در دوران تولیت ظهیرالاسلام افزایش بی رویه اجارات و سایر درآمدها اگرچه درآمد آستان را افزایش داده بود، اما استخدام غیر موجه افراد در ازای اخذ وجه به سود متولی باشی و فروش مشاغل آستان از جانب او که از نظام اداری کشور الگوبرداری شده بود، و نیز سایر هزینه های غیر ضروری به کسری بودجه آستان منجر شده بود (۱۳۳۶ هـ. ق). بدین ترتیب درآمدی که وی افزون بر مبلغ متداول

کسب می کرد، انگیزه اش برای پرداخت پول به شاه را در ازای تحصیل مقام متولی باشی آشکار می سازد (معمدالوزاره، "جواب سؤال راجع باستانه رضویه"، رعد، ۲۱ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه. ق.).

در ۱۳۳۵ ه. ق هنوز چند ماهی از حکومت کامران میرزا بر خراسان نگذشته بود که در مشهد دوره آرامش به سر آمد و شهر شاهد دسته بندی و نیز تقابل گروه های با نفوذ محلی گردید؛ تعدادی از مقامات بلند پایه آستان قدس و اهالی مشهد با ارسال تلگرام از تهران خواستار عزل کامران میرزا شده بودند که در آغاز همان سال به حکومت رسیده بود (ایران، ۱۶ محرم ۱۳۳۵). معترضین از دولت درخواست می کردند که والی سابق، نیرالدوله، مجدداً به حکومت ایالت گمارده شود.^{۱۲} بنا بر اطلاعات تکمیلی، این مخالفت به تحریک مشارالسلطنه، پیشکار مالیه، و ظهیرالاسلام، متولی باشی آستان قدس، علیه کامران میرزا بود که از اجحاف در حق مردم ابایی نداشت.^{۱۳}

از سوی دیگر، در همین مدت پسران نایب التولیه سابق و تعدادی از مقامات ارشد آستان قدس، از جمله قائم مقام تولیت، نایب التولیه، معاون التولیه، نظام التولیه، مدیر دفتر، صدیق دفتر، صاحب اختیار، مشرف کل و رئیس دفتر مشرف با بست نشستن در تلگرافخانه، علیه عملکرد متولی باشی در برخی از موقوفات برای شاه تلگرام شکایت می فرستادند (ایران، ۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۵ ه. ق.). با وجود این، کارکنان جزء آستان - خدام و فراشها و دربانهای حرم حضرت رضا (ع) که در ماه قبل موجب نقدی و جنسی خود را از متولی باشی گرفته بودند (ایران، ۲۰ محرم ۱۳۳۵)، از او حمایت می کردند (عصر جدید، ۳ و ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق.). بدین ترتیب اختلاف میان مقامات عالی رتبه آستان و متولی باشی بود. از این رو، شاید بتوان آنرا مشکلی در سلسله مراتب سستی و حیظه مسئولیتها و اختیارات دانست. به هر رو، کلنل گری، جنرال کنسول بریتانیا در مشهد، در ۱۷ مارس ۱۹۱۷/جمادی الاول ۱۳۳۵ ضمن گزارش وقایع یاد شده به مقامات مافوق خود، اوضاع شهر را نامساعد توصیف کرده بود و این که شرایط حاکم به توجه نیاز داشت. (no. 1.Grey, Meshed Diary No. 11, para)

پیامد بست نشینی، مذاکرات ظهیرالاسلام با ناراضیان بود که توفیقی نداشت. به زودی دربانهای کشیک دوم به متحصنین در تلگرافخانه پیوستند و دربانهای کشیک سوم نیز آمادگی خود را برای همراهی با بست نشینان اعلام کردند ("تلگرافات داخله، دویم جمادی الثانی ۱۳۳۵"، عصر جدید، ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵). بست نشینی این مخالفان در روزهای

بعد در حالی ادامه یافت که اعتراضشان نه تنها مورد توجه تهران قرار نگرفته بود، بلکه به دستور دولت، در صورت لزوم می بایست به زور از تلگرافخانه اخراج می شدند. همچنین تهران در ازای خروج ایشان از بست، وعده اعزام یک بازرس داده بود. در چنین شرایط و با توجه به سوابق متولی باشی در تحریکات علیه کامران میرزا بود که نیکولوسکی، کنسول روسیه در مشهد، برای عزل متولی باشی به کلنل گری متوسل گردید. بر رغم توافق دو کنسول در عزل متولی باشی، نمایندگی سیاسی روسیه در تهران از طرح این درخواست خودداری کرده بود. بدین ترتیب ظهیرالاسلام در مقام متولی باشی ابقا شد. با وجود این، به گفته کلنل گری تغییر متولی باشی از این جهت نیز ضرورت داشت که در دوره تصدی او، دیون آستان قدس افزایشی از ۳۰,۰۰۰ به ۸۰,۰۰۰ تومان را نشان می داد (۲۴ مارس ۱۹۱۷).

(Grey, Meshed Diary No. 12, para. no. 8)

شرایط حاکم بر مشهد در روزهای بعد دشوارتر گردید. از یک سو بست نشینان ضمن خودداری از تخلیه تلگرافخانه، بر این اساس با اعزام بازرس از تهران مخالفت کردند که نا آشنایی مأمور اعزامی با امور خراسان کار بازرسی را با مانع مواجه می کرد. در این بین تلاش افراد، بویژه مشارالسلطنه، برای رفع نقار میان ظهیرالاسلام و بست نشینها به جایی نرسید و درخواست برای عزل متولی باشی ادامه یافت. به گمان کلنل گری سبب مخالفت با اعزام بازرس می توانست از بیم بست نشینها از پرداخت رشوه از سوی ظهیرالاسلام به او ناشی شده باشد. (Mashed Diary No. 13, March 31, 1917 in Persia Diaries, Grey.)

3. (IOR/L/PS/10/211, para. no. 3) در این میان یک گزارش سری از کارگزار مهمام خارجه خراسان به وزیر امور خارجه حاکی از عدم جدیت مشارالسلطنه در وساطت بود، زیرا او خود به تحصیل منصب متولی باشی می اندیشید. (Col. E. A. F. Redl, Mashed Diary No. 7. (13, March 31, 1917 in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211, para. no. 7)

گزارش مذکور به نقل از ظهیرالاسلام، جلوگیری از اختلاس را سبب اصلی بست نشینی مأموران آستان قدس عنوان می کرد. بست نشینان سرانجام به درخواست کامران میرزا، حاکم ایالت، که ادامه تحصن را در "انظار خارجه و داخله" به صلاح نمی دانست، از تلگرافخانه خارج شدند ولی از جانب خود دو نماینده را در ارگ مستقر کردند تا موضوع عزل ظهیرالاسلام را پی گیری نمایند. تلگرامی از بست نشینان سبب خروج ایشان از تلگرافخانه را آشکارتر می کند. اینان در تلگرامی به عصر جدید آورده اند:

هفده روز است در تلگرافخانه تحصن اختیار نموده، قریب ده هزار تومان نقد و سه هزار خروار جنس از حقوق آنها باقی، و چون از طرف ذات مقدس ملوکانه اظهار مرحمت نشده، مورد تهدید تولیت واقع و اینک که امر ملوکانه برای خروج از تحصن صادر گردیده، اطاعت خواهند نمود ولی انتظار دارند که فکری برای اصلاح امور آستانه شده و به اشتباهکاری حقوق آنها را سایرین تضييع نمایند ("شکایت از تولیت"، عصر جدید، ۸ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق.).

بدین ترتیب بیم از محرومیت از مواجب از دلایل خروج از تحصن بود. ضمناً قرار شد که یک کمیته با شش عضو از جمله متولی باشی از طریق مذاکره و آگاهی از علل نارضایتی، موجبات رضایت ایشان را فراهم آورد. (عصر جدید، ۲، ۵ و ۸ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق؛ قس)

توافق اخیر، بر خلاف انتظار، پایان شکایت از ظهیرالاسلام نبود. وی با برقراری روابط دوستانه با دمکراتهای مشهد، به توصیه ایشان از حضور در نخستین جلسه کمیته شش نفره سر باز زد، اقدامی که تا آنجا نارضایتی مخالفان را برانگیخته بود که قائم مقام ظهیرالاسلام از سفر به تهران برای طرح نارضایتی خود سخن می گفت.^{۱۴} ادامه بی تفاوتی تهران موجب شده که بیش از ۲۰ نفر از تجار مشهد با شکایت تلگرافی از بی تفاوتی دولت، متذکر شوند که

خرج تراشی ها از قبیل تعیین مواجب و غیره شده، حالیه خرابی آستانه از حد گذشته است (عصر جدید، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق.).

تعیین مواجب در شرایط موجود می تواند نشانه آن باشد که ظهیرالاسلام از درآمد آستان قدس برای جلب طرفدار استفاده می کرد. به هر حال، بالا گرفتن شکایت از متولی باشی سرانجام رئیس الوزرا و تعدادی از علمای پایتخت را وادار به تماس تلگرافی حضوری با ظهیرالاسلام کرد. در این تماس به وی گفته شد "قرار خاتمه شکایات داده شده، رضایت خاطر آنها [یعنی شکایات کننده ها] هم فراهم گردد." ("راجع بتلگرافات مشهد"، عصر جدید، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق.).

با وجود توقف نسبی کش و قوسها، بزودی متولی باشی از سوی مقامات ارشد آستان قدس که بر امور آن اشراف داشتند، متهم به بی لیاقتی و حیف و میل درآمد آستان قدس شد. خرده گیری این مخالفان حول این محور ها بود:

(الف) گم شدن یک قرآن نفیس متعلق به آستان قدس؛

(ب) پرداخت حقوق به کسانی که استخدام ایشان در بودجه آستان قدس پیش بینی نشده بود؛

(ج) فقدان نظارت بر درآمد و مخارج آستان قدس؛

(د) افزایش قروض آستان به حدود ۱۰۰،۰۰۰ تومان که مستلزم پرداخت سالانه ۷-۸،۰۰۰ بهره بود.^{۱۵}

(ه) بی توجهی به ابنیه و شفاخانه ("اطلاع راجع بآستانه رضویه (ع)،" / ایران، ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه.ق.)

شاکیان از متولی باشی پی گیری موارد مذکور را طلب می کردند ("تجدید تظلم امنای آستانه رضوی،" و "تظلم از متولی باشی،" / ایران، به ترتیب ۲۰ و ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه.ق.).

اگر چه همه این موارد مهم بودند، در میان آنها گم شدن قرآن اهمیت ویژه ای داشت، زیرا قدیمی، نفیس و مهمتر از آن منسوب به امام سجاد (ع) بود.^{۱۶} اگر چه ن. خانیکوف و به تبع او ج. ن. کرزن با اشاره به تعداد و موضوع کتابهای خطی موجود در کتابخانه آستان قدس از شمارگان قرآنهای مخطوط آن یاد کرده اند (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۲-۱۱۳؛ و Curzon, I: 162)، آگاهی بیشتر در مورد قرآنهای نفیس آستان قدس را ناصرالدین شاه (به روایت اعتمادالسلطنه) و میرزا قهرمان امین لشگر ارائه داده اند که در ۱۳۰۰ به مشهد سفر کرده بودند. شاه در مورد مشاهداتش در کتابخانه آستان قدس آورده است:

دو جزء قرآن دیده شد بخط مبارک حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که رقم هم فرموده بودند. شاه عباس مرحوم وقف بکتابخانه [آستانه] حضرت [رضا (ع)] کرده است بخط و مهر شیخ بهائی علیه الرحمه و همچنین چند جزو قرآنی بخط مبارک حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و یک قرآن تمام بخط حضرت سید سجاد علیه السلام با رقم باسم مبارک آن امام همام بود، همه با تصدیق و خط شیخ بهائی علیه الرحمه. این سه قرآن از نفایس دنیاست و همه یقیناً خط شریف ائمه علیهم السلام است ... از این کتابخانه پائین آمده بکتابخانه اول رفتیم، باز از پله های زیادی بالا رفته، در اینجا قرآنی بخط بایسنقر که صفحات بزرگ دارد، دیده شد (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۱: ۱۸۹).

در فهرست قرآنهای خطی آستانه که از طریق اعتمادالسلطنه در دست است، از قرآنهای مخطوط آستان قدس دو قرآن به حضرت سجاد (ع) نسبت داده شده است:

الف) قرآنی در ۶۰ برگ پوست آهو، ۹ سطری، وقفی شاه عباس که مهر تصدیق شیخ بهائی را داشت؛

ب) قرآنی در ۶۹ برگ پوست آهو با چفت و بست نقره، متن و حاشیه ۱۵ سطری، از واقفی ناشناس که در زمان تولیت میرزا سعید خان انصاری ملقب به مؤتمن الملک مرمت شده بود.^{۱۷} از سوی دیگر، امین لشگر هم که از همراهان ناصرالدین شاه در سفر به مشهد بود (۱۳۰۰ هـ ق)، در مورد مشاهداتش در کتابخانه آستان، از "یک کلام الله خط مبارک سید سجاد امام زین العابدین (ع)" نام برده است که در آن تصریح شده بود: "کتابه زین العابدین ابن حسین ابن علی ابن ابی طالب" (امین لشکر، ۱۳۷۴: ۱۶۲).

از سوی دیگر، در مورد قرآن گم شده یا به سرقت رفته آمده است که بر خلاف قرآنهای پیش گفته در داخل ضریح بود که تنها دو تن از مجتهدین به شکل موروثی مسئولیت امور آنرا داشتند. افزون آن که در گزارش نسبتاً مشروح اعتمادالسلطنه که در ۱۳۰۰ هـ ق با زیارت ضریح و صندوق چوبی آن از نزدیک، حاوی اطلاعات میدانی در مورد آنهاست، اشاره ای به وجود قرآن در ضریح به چشم نمی خورد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱، ج ۲: ۱۲۵-۱۲۷). به هر رو، در شرحی مفصل در باره نحوه مفقود شدن قرآن مورد بحث، آمده است که به سال ۱۳۳۴ هـ ق در خلال رسم "تنظیف" سالانه ضریح مبارک با حضور نیرالدوله حاکم خراسان، ظهیرالاسلام متولی باشی و تعدادی از علما و خدمه، در حالی که درهای حرم بر روی زائترین بسته بود، مفقود شده و به سرقت رفته بود ("معمای حیرت انگیز، استدعای کشف حقیقت"، *ایران*، ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۳۵ هـ ق).

بدین ترتیب مشکلات تولیتی ظهیرالاسلام به موضوعی برای تقابل مقامات آستان قدس تبدیل شد و افزون بر آن، بُعد عقیدتی نیز پیدا کرد، زیرا انتشار این خبر در مطبوعات واکنش شاه را به دنبال داشت که نه تنها به عنوان حاکم کشور شیعه موظف به حفظ و حراست از میراث تشیع، از جمله قرآن نفیس مذکور بود، بلکه تلگرامهایی از سوی مردم را دریافت می کرد که در آنها پیدا کردن قرآن از او مطالبه می شد.^{۱۸} شاه در صدد برآمد که پیشخدمت شخصی خود، ملقب به *امین همایون*، را برای پی گیری شکایات و موضوع گم شدن قرآن به مشهد اعزام کند (۱ رجب ۱۳۳۵ هـ ق/ ۲۱ آوریل ۱۹۱۷). (Grey, Mashed) Diary No. 16 for the week ending 21 April 1917, confidential, April 21, 1917 in Persia (no. 3. Diaries, IOR/L/PS/10/211, para

از بررسی اوضاع آستان قدس از نزدیک به تهران بازگشت تا گزارش خود را تسلیم کند (ژوئن ۱۹۱۷).^{۱۹}

ابراز نارضایتی از مدیریت ظهیرالاسلام در شرایط سیاسی و اقتصادی خاصی مطرح شده بود که با تبعات انقلاب مارس ۱۹۱۷ روسیه در ایران تقارن زمانی داشت. در چنین فضایی مصدق الدوله، رئیس نظمیة مشهد، در فاصله کمی از محل استقرار کامران میرزا، حاکم ایالت، به وسیله دو ناشناس به قتل رسیده بود. تعدادی از دستگیر شده ها در این رابطه از دمکراتها بودند که پیشتر به روابط متولی باشی با آنها اشاره شد. اگرچه حزب دمکرات مداخله خود در این واقعه را انکار می کرد، وقوع چنین قتلی در کنار مسکن حاکم ایالت دست کم بر ناامنی و ناتوانی او در تأمین نظم و امنیت ایالت دلالت داشت (۱ مه ۱۹۱۷/رجب ۱۳۳۵ ه. ق). از سوی دیگر در همان زمان کمبود غلات موجب افزایش چشمگیر قیمت آنها در خراسان شده بود. اقدامات حکومت برای کاهش قیمت غلات سود چندانی نداشت؛ بدیهی است که بهای گزاف ارزاق زندگی را بر فرودستان دشوار می کرد (رجب - ذیقعد ۱۳۳۵ ه. ق/آوریل - ژوئیه ۱۹۱۷).^{۲۰}

برای رفع سوء ظن و اتهامات، از سوی ظهیرالاسلام گامهای عملی برداشته شد. برای حل مشکل مفقود شدن قرآن، اثبات تداوم وجود آن در آستان قدس در دستور کار او قرار گرفت که خود در ابتدا به گم شدن آن اذعان کرده و سپس مدعی یافتنش شده بود. بزودی در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق با دعوت از تعدادی از علما و افراد مورد وثوق شهر، رسماً جلسه ای برای بررسی و مقایسه قرآنهای خطی مذکور با فهراس موجود را در کتابخانه آستان قدس ترتیب داد. گواهی کتبی علما و سایر مدعوین نشان داد که تعداد مجلدات قرآن کم نشده بود، و اینکه چهار مصحف منسوب به معصومین علیهم السلام در آستان قدس همچنان در سلامت در کتابخانه نگاهداری می شدند.^{۲۱} اما این نتوانست نقطه پایانی برای ماجرای قرآن باشد؛ انتشار مکاتبات، تلگرامها و نظرهای متضاد در مورد اصالت قرآن به نمایش گذاشته شده در مطبوعات وقت ادامه یافت. حتی زمانی که ظهیرالاسلام قرآنی را به عنوان قرآن مفقوده به وسیله معتمد التولیه برای رؤیت شاه به تهران فرستاد، اظهار تردید در مورد اصالت همچنان ادامه داشت، بویژه آن که به گفته مخالفان ظهیرالاسلام، قرآن یافته شده نه تنها فاقد شناسه های قرآن اصلی - وقفیت آن از جانب شاه عباس با تصدیق و مهر شیخ بهایی - بود، به کسی هم نشان داده نمی شد.^{۲۲} افزون آن که به روایت یک نفر "خانه زاد" آستان رضوی (ع)، قرآنی به خط کوفی که به عنوان قرآن

مسروقه به رؤیت شاه رسید، تنها چند جزء بود که به مبلغ یک صد تومان و پنج خروار غله اضافه موجب از پسر مرحوم حاجی میرزا آقا خزانه دار آستان خریداری شده بود ("معمای حیرت انگیز"، *ایران*، ۲۷ شعبان ۱۳۳۵ ه. ق.). بدین ترتیب مستندات و شهادتهای گوناگون و متضاد در رابطه با قرآن مسروقه مطرح شد. در این باره محمد هاشم میرزا، نماینده مشهد در مجلس شورای ملی و رئیس اداره اوقاف و معارف^{۲۳} در یک استنباط منطقی، با جلب توجه مخاطبین به صحت نظر هر دو گروه موافق و انکار کننده پیدا شدن قرآن، به درستی توجه را به این نکته معطوف می کند که دو گروه راجع به دو مصحف متفاوت - قرآن کتابخانه و قرآن ضریح - صحبت می کردند. از این رو، اظهارات ایشان راجع به یک نسخه خطی از قرآن نبود (محمد هاشم میرزا، "راجع بقرآن معروف"، *ایران*، ۳ رجب ۱۳۳۵ ه. ق.). بجا است که یک بار دیگر یادآوری شود که بنا بر فهرست اعتمادالسلطنه، چنان که اشاره شد، آستان قدس دارای دو قرآن منسوب به حضرت سجاد بود.

سرقت قرآن منسوب به حضرت سجاد (ع)، همان گونه که انتظار می رود، سریعاً به یک موضوع ملی تبدیل شد که انکار سرقت آن و حتی استعفای ظهیرالاسلام نتوانست به اسکات مطبوعات وقت منجر شود. در این باره در روزنامه *زبان آزاد* با اشاره به کناره گیری و مراجعت او به تهران آمده است:

از قرآن مسروقه هم بهیچ وجه خبری نیست ... چنان که مکرر گفته ایم ما در عزل و نصب تولیت چندان ذی مدخل و علاقه مند نبوده و علاقه ما بقرآن مسروقه است که سرقت آن از آفتاب نزد ما روشتر است. استعفای ظهیرالاسلام نمی تواند ما و سایر مسلمانان را از تعقیب قرآن مسروقه بازدارد ("تولیت آستانه و قرآن مسروقه"، *زبان آزاد*، ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه. ق.).

سرنوشت قرآنها منسوب به حضرت سجاد هر چه بود، ظهیرالاسلام در شوال ۱۳۳۵ ه. ق/ ژوئیه ۱۹۱۷ استعفای خود را از مقام متولی باشی آستان قدس به شاه تقدیم کرد. از ناتوانی در تنظیم امور آستان قدس به عنوان سبب این استعفا یاد می شد. با وجود تلگرام چهل و چهار تن از تجار عمده مشهد به تهران برای عدم موافقت با استعفای ظهیرالاسلام، اما تقاضای او مورد پذیرش قرار گرفت و مرتضی قلی خان، حاکم سبزوار که سابقه تولیت آستان قدس را داشت، با پرداخت ۵۰۰۰ تومان به شاه، متولی باشی شد.^{۲۴} اگر چه متولی باشی جدید در بدو ورود به مشهد از سوی تهران موظف گردیده بود که تا صدور تسویه

حساب از حرکت ظهیرالاسلام به تهران جلوگیری کند، اما به زودی در این تصمیم تجدید نظر به عمل آمد و ظهیرالاسلام اجازه یافت در حالی بدون مفاصا حساب مشهد را ترک کند که انتظار داشت در پایتخت عهده دار منصبی جدید گردد (شوال ۱۳۳۵ ه. ق/اگوست ۱۹۱۷). (Grey, Mashed Diary No.32 for the week ending 11 August 1917, confidential,). (in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211, para. no. 1. August 11, 1917 این شیوه برخورد با ظهیرالاسلام بازتاب منفی خود را در جامعه داشت. در بخشی از مکتوبی در نقد اوضاع نابسامان خراسان که در جراید وقت منتشر شد، آمده است: "خرابی امور آستانه بواسطه رسیدگی نکردن بحساب تولیت و افزوده شدن پنجاه هزار تومان بر قروض سابق آستانه" نتیجه عدم برخورد دولت با ظهیرالاسلام بود ("در خراسان چه خبر است،" زبان آزاد، ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه. ق). از سوی دیگر انتصاب مرتضی قلی خان به تولیت آستان قدس نیز با استقبال مواجه نشد؛ به گفته یکی از اهالی مشهد با این انتخاب

به اصلاح امور آستانه نباید امیدوار بود، زیرا که سابقه ایشان را در کارهای آستانه و خرابکاری هائی که در تولیت سابقشان شده است، هنوز فراموش نشده، خصوصاً اشیاء نفیسه آستانه را که در زمان تولیت ایشان معدوم شده کاملاً مطلع هستیم.^{۲۵} البته نباید فراموش شود که افزایش چشمگیر قروض آستان قدس در دوره تولیت ظهیرالاسلام از جمله مشکلاتی بود که مرتضی قلی خان وارث آن می شد.

رویدادهای دوره تولیت ظهیرالاسلام خیلی زود در خراسان و تهران به دست فراموشی سپرده شد. به نظر می رسد که خروج بدون محاسبات مالی از مشهد تحت الشعاع شرایط جدید در خراسان قرار گرفت که پس از کمبود و گرانی مواد غذایی، نامنی و نابسامانی دچار شیوع وبا و تلفات ناشی از آن شده بود (ذیقعه - ذیحجه ۱۳۳۵ ه. ق/ سپتامبر ۱۹۱۷).^{۲۶} در تهران هم به گفته یکی از مطبوعات

بعضی برای این که با دست خالی با استقبال ظهیرالاسلام نروند، خیال دارند تولیت مدرسه ناصری را که تا حدی برای بیکار نبودن آقای معظم له کفایت، در پاکت گذاشته سرراهی با چشم روشنی تقدیم کنند.

در پایتخت ابتدا قرار بود که به دستور شاه کمیسیونی به ریاست رئیس الوزراء عملکرد ظهیرالاسلام و موضوع سرقت قرآن را بدون حضور نماینده ای از جانب آستان قدس مورد بررسی قرار دهد. در مورد این کمیسیون آمده است که در انتخاب اعضای آن شخص ظهیرالاسلام نیز مشارکت داشت.^{۲۷}

در مورد سرنوشت قرآن/قرآنهاى مورد بحث رجوع به کتابخانه آستان قدس بیش از هر چیز راهگشاست. بنا بر بررسی مرحوم گلچین معانی در کتابخانه مذکور، در ۱۳۴۷ ش از مجموع ۹ نسخه خطی قرآن که از سوی شاه عباس اول وقف آستان قدس شده است، تعداد هفت نسخه دارای تصدیق شیخ بهایی بود و در کتابخانه آستان قدس نگاهداری می شد. از آنچه در معرفی نسخ مذکور آمده است، به سهولت می توان دریافت که تنها یک نسخه منسوب به حضرت سجاد که واقف آن نامعلوم است موجود می باشد. بدین ترتیب، از دو مصحف منسوب به آن حضرت، جلدی که وقفی شاه عباس با مهر تصدیق شیخ بهایی بود، دیگر موجود نیست و از ضریح به سرقت رفته است؛ جلد دیگر که بدون مهر و تصدیق شیخ بهایی است، همچنان در کتابخانه موجود می باشد. ناگفته نماند که برای سابقه وجود هر دو آنها تا ۱۳۳۴ ه. ق گزارش شهود متعدد وجود دارد.^{۲۸}

در حالی که موضوع سرقت قرآن از آستان قدس همچنان در ابهام قرار داشت، یک آگهی در روزنامه آچیتی سوز چاپ باکو آگهی فروش قرآنی را منتشر کرد که "در پشت قرآن از طرف شیخ بهایی تصدیق شده است که بخط حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است." این توصیف با مشخصات یکی از قرآنهاى آستان قدس همخوانی داشت و با توجه به کارنامه ظهیرالاسلام بعید نبود که نسخه اخیر هم از کتابخانه آستان قدس به سرقت رفته باشد. از این رو، از سوی مسئولین وقت آستان قدس، مؤیدالوزاره، فراش باشی آستانه، برای کشف حقیقت به باکو اعزام شد ("قرآن تاریخی در بادکوبه،" / *ایران*، ۲۶ صفر ۱۳۳۶ ه. ق)، در حالی که تا آن زمان نه تنها خبری دال بر مفقود شدن قرآن منسوب به حضرت علی از آستان قدس انتشار نیافته بود، بلکه بنا بر شهادت بازدید کنندگان از کتابخانه که پیشتر ذکر گردید، قرآن منسوب به آن حضرت در آنجا نگاهداری می شد و هنوز می شود (گلچین معانی، ۱۳۴۷: ۳/قرآن شماره ۶). به هر رو، بنا بر گزارش روزنامه *ایران*، به زودی ساعدالوزاره، کنسول ایران در باکو، به کارگزار وزارت امور خارجه در مشهد اطلاع داد که "قرآن موصوف در محل معین حاضر [و] یک صد هزار منات قیمت گذاشته اند. اگر باید خریده شود، فوری برات [برای] وهاب اف بفرستند تا پس از ایتباع ارسال آستان قدس گردد." ("خبر قرآن از بادکوبه،" / *ایران*، ۹ ربیع الاول ۱۳۳۶ ه. ق). بی تردید در صورت اصالت قرآن به فروش گذاشته شده در باکو، آستان قدس یا دولت ایران با دیونی که داشتند، علی القاعده قادر به خرید نسخه مذکور نبود. دیگر آن که نظر به توجه شاه عباس اول و سایر شاهان صفوی به مقبره شیخ صفی و وقف کتب، از جمله نسخ قرآن، از سوی ایشان

بر آن مقبره، در صورت صحت مطالب آگهی پیش گفته، می توان حدس زد که قرآن مذکور می توانست از مجموعه کتب مقبره باشد که تاراج آنها به وسیله روسها و سایرین معروف است.

در سده بیستم میلادی سرقت و خروج جواهرات و نسخ خطی کتابخانه سلطنتی که از طریق واسطه های کلیمی و غیر ایشان به خارج از کشور انتقال می یافت، چالشی جدی برای مسئولین کشور شده بود. برای حل این مشکل، ابتدا "هیأت انکشاف اشیای مسروقه سلطنتی" در اواخر ۱۳۲۶ ه. ق تشکیل گردید (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم تقنینیه، جلسه ۲۶ رجب ۱۳۳۳ ه. ق: ۴۷). هنگامی که جلوگیری از خروج اشیای دولتی به "اداره محاسبات بیوتات دولتی" محول شد، سرقت قرآن از آستان قدس، توجه اداره مذکور را به مخاطرات کتابخانه های بقاع مقدسه جلب کرد. نتیجه بررسی اداره محاسبات گزارشی بود که در آن در مورد مداخله اداره مزبور در جلوگیری از خروج مخطوطات بقاع متبرکه، از جمله آستان قدس، استجازه شده بود ("راجع بمسروقات خطی"،/ایران، ۴ ربیع الاول ۱۳۳۸ ه. ق).

رویدادهای دوران تولیت ظهیرالاسلام لزوم توجه به امور آستان قدس و اعمال اصلاحات در قوانین و ضوابط آن را آشکار کرده بود. در راه حلی برای تمشیت و اصلاح امور آن پیشنهاد شده است:

اولا کلیه موقوفات و املاک آستانه مقدسه را بمزایده گذاشته و بیک کمپانی که مرکب از یک عده تجار و مستأجرین صاحب اعتبار (غیر از امانا و منسوبین آستانه مقدسه) اجاره داده شود و در بین مدت اجاره بر وجه اجاره نیفزوده و از آن مستأجران انتزاع ننموده و بدیگری نسپارند و آخر سال نقدی و جنسی را از مستأجرین تحویل گرفته و بصندوق آستانه مقدسه تمرکز دهند.

در این طرح مورد مصرف درآمد توصیه شده است:

کلیه عایدات را موافق قرارداد واقفین بنظارت یک عده علما و تجار غیر ذینفع و بک نفر نماینده از طرف [حاکم] ایالت بمصرف برسانند و صورت جمع و خرج آنرا برای اطلاع عامه در جراید اعلان کنند. بدیهی است در این صورت امور آستانه مقدسه [حضرت رضا (ع)] که روح مادی و معنوی خراسان بلکه ایران است، اصلاح پذیرفته و روح واقفین علیه الرحمه شاد خواهد گردید (۱۵ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق).^{۲۹}

اما تا جایی که منابع موجود دلالت دارند رویدادهای دوران تولیت ظهیرالاسلام نه تنها موجب آن نشد که پیشنهادها برای اصلاح امور آستان قدس مورد توجه قرار گیرد، بلکه به زودی ظهیرالاسلام مجدداً به تولیت آستان قدس منصوب شد و در قیام کلنل پسیان در خراسان نقش آفرین گردید (Cronin, 1997: 693 ff.).

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در باور شیعیان، مسئولیت تشکیلات مربوط به مرقد مطهر آن امام همام - آستان قدس - برای شاهان قاجار یک فرصت و هم‌زمان با آن یک تهدید بود. فرصت از این جهت که کنترل و افزایش خدمات دهی آن به جامعه شیعی اعتباری مذهبی را برای ایشان به عنوان پادشاه تنها کشور شیعی جهان به ارمغان می‌آورد. تهدید از این بابت که می‌توانست همین اعتبار را در کنار منابع مالی در اختیار رقبای ایشان قرار دهد. از این رو، تنها انتظار قاجاریه از آستان قدس نه چشم داشت مالی، بلکه به استفاده از آن برای کنترل حاکم ایالت گسترده و راهبردی خراسان و نیز جلوگیری از دستیابی غیر به ثروت مرقد امام رضا (ع) محدود می‌شد. پیامد چنین نگاهی تعیین متولی باشی وفادار، بی‌توجهی به بودجه و دخل و خرج آستان قدس بود که همواره از متغیرهای اقتصادی - سیاسی تأثیر می‌پذیرفت. نتایج چنین رویکردی در دوران سلطنت مظفرالدین شاه و جانشینانش آشکار شد که مؤسسات وابسته به شاه، همانند دوایر دولتی، به عدم کارایی دچار آمده بودند. در فقدان اعمال نظارت مؤثر، انتصاب متولی باشی‌های بی‌کفایت، فاقد برنامه و مستقل از دولت در حالی موجب کاهش درآمد و سپس استقراض آستان قدس شده بود که تشکیلات و تعداد کارکنان آن گسترش می‌یافت.

در نبود نظارت مؤثر که در تهران نتیجه آن دست اندازی مأموران نالایق به ثروت شاه در فاصله چند ده متری او بود، در مشهد که صدها کیلومتر با پایتخت فاصله داشت، خود را به صورت حیف و میل، سوء استفاده از ثروت حرم مطهر و در نتیجه افزایش بدهی آستان قدس نشان داد. در چنین شرایطی بود که در ۱۳۳۴ ه. ق یکی از مصادیق بی‌لیاقتی و خیانت در قالب سرقت یک جلد از دو جلد قرآن ارزشمند منسوب به امام سجاد علی بن الحسین (ع) از آستان قدس به چشم آمد. بر رغم اشاره منابع اصلی به سرقت یکی از آنها، یعنی قرآن داخل ضریح حضرت رضا (ع)، مفقود شدن آن مسکوت مانده است. حاصل بی‌تفاوتی در قبال این خسران مذهبی - فرهنگی، رهایی متولی باشی، سید جواد ظهیرالاسلام،

از محاکمه و تنبیه بود. با وجود این، افشای مفقود شدن یک قرآن در مطبوعات وقت لزوم اعمال نظارت عمومی بر آستان قدس و جلوگیری از تاراج اموال آن را آشکار کرد. ولی این مهم تا پایان عصر قاجاریه محقق نگردید.

پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان نمونه، ر. ک. ص. سجادی، "آستان قدس"، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، صص ۳۴۰-۳۵۱.
۲. به عنوان نمونه برای به اسناد چنین انتقالی در مازندران، ر. ک. صندوق ۴۵، پوشه ۷۳، ۱۳۳۵ هـ. ق و صندوق ۴۶، پوشه ۱۰، ۱۳۳۶ هـ. ق هر دو در آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۳. محمدصادق نامی اصفهانی (تاریخ گیتی گشا، اقبال، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۱) بدون اشاره ای به نقش سید محمد، از کوری شاهرخ میرزا به وسیله "امرای خراسان" صحبت کرده است.
۴. برای اسامی متولی باشی ها، نک اعتمادالسلطنه، *مطلع الشمس*، ج ۲، صص ۲۳۴ به بعد؛ برای اسامی ایشان در چهل سال نخست از سلطنت ناصرالدین شاه، ر. ک. اعتمادالسلطنه، *المآثر و الآثار*، بکوشش ا. افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۳۹.
۵. ناصرالدین شاه، *سفرنامه خراسان*، بابک، تهران، ۱۳۶۱، صص ۱۷۴-۱۷۷؛ در همان زمان اعتماد السلطنه (مطلع الشمس، ج ۲، ص ۲۴) تعداد خدام را ۷۰۰ نفر ثبت کرده است که این اختلاف می تواند از تعداد کل کارکنان و تعداد خدام ناشی شده باشد.
۶. در تلگرافی از مشهد در مورد امور آستان قدس آمده است: "تلگرافات خدام با مهار صحیحه بیش از سه هزار نفر امضا نموده اند." ر. ک. "اظهار رضایت"، *عصر جدید*، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۵ هـ. ق.
۷. به عنوان نمونه می توان به درب طلای اهدایی فتحعلی شاه اشاره کرد، ر. ک. "Meshed," 1910:520; P. Sykes, "Historical Notes on Khurasan," *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, (Oct., 1910), pp. 1144-1145.
۸. برای ارسال خلعت سالانه، به عنوان نمونه ر. ک. "Meshed," 1910: 521; Col. W. G. Grey, *Meshed Diary No. 9 for the week ending 3rd March 1917*, secret, March 3, 1917 in *Persia Dairies*, IOR/L/PS/10/211, para. no. 6.
۹. برای فروش مناصب، ر. ک.

سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس ... (محمدعلی کاظم بیکی) ۲۶۷

R. Sheikholeslami, "The Sale of Offices in Qajar Iran, 1858-1896," *Iranian Studies*, vol. 4: No. 2/3 (Spring -Summer, 1971), pp. 104-118.

۱۰. در پایگاه اسناد فارسی کتابخانه آستان قدس رضوی تعداد نسبتاً پرشماری از اسناد مربوط ظهیرالاسلام از سالهای ۱۳۳۴-۱۳۳۵ ه.ق. فهرست شده است که نشان دهنده مداخلات مذکور است.

۱۱. عصر جدید، ۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه.ق. قس تلگرام "اظهار رضایت"، سه تن از علمای مشهد از اقدامات عمرانی، افزایش اجاره موقوفات و دادن غله به خدام و فراش آستانه از سوی ظهیرالاسلام در عصر جدید، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه.ق. برای گزارشی دیگر از اقدامات مثبت ظهیرالاسلام، ر.ک. کاشف الملک، "نصیحت"، رعد، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه.ق.

۱۲. بازتاب این رویداد را در گزارش هفتگی کلنل گری، کنسول بریتانیا در مشهد، می توان یافت، ر.ک.

Col. W. G. Grey, Meshed Diary No. 11 for the week ending the 17th March 1917, secret, March 17, 1917 in Persia Dairies, IOR/L/PS/10/2, para. no. 1.

13. Grey, Mashed Diary No. 14 for the week ending the 14th April 1917, confidential, April 14, 1917 in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211, para. no. 2;

در مورد ارتباط با دمکراتها، نک. کاشف الملک، "نصیحت"، رعد، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه.ق؛ برای گزارشی مشابه بدون ذکر ارتباط ظهیرالاسلام و دمکراتها، ر.ک. "شکایت از تولیت"، عصر جدید، ۸ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه.ق.

14. Redl, Mashed Diary No. 14 for the week ending 14 April 1917, confidential, April 14, 1917 in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211, para. no. 2;

در مورد ارتباط با دمکراتها، نک. کاشف الملک، "نصیحت"، رعد، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه.ق؛ برای گزارشی مشابه بدون ذکر ارتباط ظهیرالاسلام و دمکراتها، ر.ک. "شکایت از تولیت"، عصر جدید، ۸ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه.ق.

۱۵. معتمدالوزاره، مفتش آستان قدس، وام دوره تولیت ظهیرالاسلام را ۷۲،۰۰۰ تومان و ۲،۰۰۰ خروار غلات ذکر کرده است، ر.ک. "جواب نصیحت راجع به آستانه رضویه (ع)، رعد، ۱ جمادی الثانی ۱۳۳۶ ه.ق.

۱۶. در ۱۹۱۰ آستان قدس دارای سه هزار جلد نسخه خطی بود که یک سوم آنها را قرآنی با ارزش هنری تشکیل می دادند، ر.ک.

"Meshed," 1910: 520.

۱۷. اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱، ج ۲: ۴۶۹، ستون ۲، ردیف ۲ و ۳؛ در ۱۳۰۱ ق فاضل بسطامی (صص ۴۴۱-۴۴۴) به نقل از حاجی میرزا داود، مشرف کتابخانه آستان قدس، تصریح کرده است که ۳۹ جلد قرآن منسوب به ائمه اثنی عشریه (ع) در کتابخانه آستان موجود بود.

۱۸. به عنوان نمونه، ر. ک. تلگرام یک صد و پنجاه با عنوان "راجع بقرآن معهود،" ایران، ۵ رجب ۱۳۳۵ ه. ق. موضوع قرآن تا بدانجا مورد توجه عموم قرار گرفته بود که خوش قریحه ای از خراسان چنین سرود:

قرآن بکجا رفت

ای هم وطنان مذهب و ایمان به کجا رفت	قرآن بکجا رفت
انگشتی از دست سلیمان بکجا رفت	قرآن بکجا رفت
از مذهب و از کیش بجز نام نممانده	اسلام نام نممانده
اسلام کجا رفت و مسلمان بکجا رفت	قرآن بکجا رفت
شد خشک ز بد چشمی تو چشمه باران	ای ساروق قرآن
از چشم بدت چشمه باران کجا رفت	قرآن بکجا رفت
گویند نه گم گشته و پیدا شده قرآن	در ملک خراسان
پس دزد زبردست ز میدان بکجا رفت	قرآن بکجا رفت
قرآن رضا هموطنان رفته پاریس	بکجا حیل و تلبیس
پس غیرت ما اهل خراسان بکجا رفت	قرآن بکجا رفت

ر. ک. ایران، ۵ شعبان ۱۳۳۵ ه. ق.

19. Same, Mashed Diary No. 20 for the week ending 19 May 1917, confidential, May 19, 1917, para. no.5; same, Mashed Diary No. 23 for the week ending 9 June 1917, confidential, June 9, 1917, para. no. 5 both in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211.

20. Same, Mashed Diary No. 18 for the week ending 5 May 1917, confidential, May 21, 1917, para. nos. 1 and 5; Col. Redl, Intelligence Summary No. 19 for the week ending 12 May 1917, secret, May 12, 1917, para. no. 228; Grey, Mashed Diary No. 28 for the week ending 14 July 1917, confidential, July 14, 1917, para. no. 2 all in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211;

عصر جدید، ۲۵ رجب ۱۳۳۵ ه. ق؛ وطن، ۴ شوال ۱۳۳۵ ه. ق؛ زیان آزاد، ۲۵ شوال ۱۳۳۵

ه. ق.

سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس ... (محمدعلی کاظم بیکی) ۲۶۹

21. Grey, Mashed Diary No. 22 for the week ending the 2nd June 1917, confidential, June 2, 1917 in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211, para. No.2; cf.

برای مشروح گزارش بازدید از کتابخانه و اسامی حاضران، ر. ک. "مراجعه بکتابخانه مشهد، عصر جدید، ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق؛ "تلگراف راجع بآستانه مقدسه، "عصر جدید، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۳۵ ه. ق؛ "تلگراف ایالت خراسان راجع به قرآن معهود، "ایران، ۱۷ شعبان ۱۳۳۵ ه. ق.

۲۲. "قرآن چه شد، "ایران، ۱۵ رجب ۱۳۳۵ ه. ق؛ در مورد پرداخت ظهیرالاسلام به کسانی که به حفظ قرآن مورد بحث در کتابخانه شهادت داده بودند، ر. ک. "مکتوب سرگشاده، "ایران، ۲۹ شعبان ۱۳۳۵ ه. ق.

۲۳. برای آشنایی با محمدهاشم میرزا، ر. ک.

"Muhammad Hashim Mirza, Shahzadeh, *Who's Who in Persia*, I: 30-31.

24. Grey, Mashed Diary No. 28, para. no. 6; same, Mashed Diary No.31 for the week ending 4 August 1917, confidential, August 4, 1917, para. no. 3; same, Mashed Diary No.32 for the week ending 11 August 1917, confidential, August 11, 1917, para. no. 1; same, Mashed Diary No.33 for the week ending 18 August 1917, confidential, August 18, 1917, para. no. 1 all in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211; cf.

"تولیت آستانه قدس، "زبان آزاد، ۱۶ شوال ۱۳۳۵ ه. ق.

۲۵. "تولیت آستانه مقدسه، "وطن، ۱۶ شوال ۱۳۳۵ ه. ق؛ در مورد مخالفت با نحوه برخورد شاه و دولت با ظهیرالاسلام، همچنین ر. ک. وطن، ۲۷ رمضان ۱۳۳۵ ه. ق؛ "تولیت آستانه و قرآن مسروقه، "زبان آزاد، ۱۸ شوال ۱۳۳۵ ه. ق؛ برای سوابق مرتضی قلی خان، ر. ک.

"Murteza Quli Khan, Saiyid," *Who's Who in Persia*, I: 36.

26. Same, Mashed Diary No.36 for the week ending 8 September 1917, confidential, September 8, 1917, para. no. 2; same, Mashed Diary No.37 for the week ending 15 September 1917, confidential, September 15, 1917, para. no. 4 both in Persia Diaries, IOR/L/PS/10/211; cf.

وطن، ۱۸ و ۲۳ شوال و ۷ و ۹ ذیقعده ۱۳۳۵ ه. ق.

۲۷. سید داود خراسانی، "بشارت - راجع بقرآن مسروقه"، رعد، ۳ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه. ق؛ همو، "تذکر راجع به آستانه رضویه و قرآن مسروقه، رعد، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه. ق؛ معتمدالوزاره (رئیس تفتیش آستانه رضویه (ع)، رعد، ۶ جمادی الاول ۱۳۳۶ ه. ق.

۲۸. برای وجود قرآنهاى وقفى شاه عباس با تصدیق شیخ بهایی در کتابخانه آستان، ر.ک. ا. گلچین معانی، راهنمای گنجینه قرآن، کتابخانه آستان قدس، تهران، ۱۳۴۷، صص ج، ۳، ۷، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۴۱، ۵۳؛ برای وجود قرآن منسوب به حضرت سجاد (ع) با واقف ناشناس، نک. همو، صص ۱۳-۱۴/قرآن شماره ۱۶.

۲۹. عصر جدید، ۱۵ جمادى الثانی ۱۳۳۵ ه. ق؛ نا گفته نماند که ظهورالاسلام خود در رابطه تغییر ضوابط، نظامنامه ای را پیشنهاد کرده بود که با خواستههای معترضین همخوانی داشت، نک. "لایحه ذیل اخیرا در مشهد مقدس انتشار یافته است،" /ایران، ۲۷ جمادى الثانی ۱۳۳۵ ه. ق؛ چند سال بعد هم در اعلانی اصلاحات خود را مطرح کرد، ر.ک. "اعلامیه تولیت آستان قدس،" /ایران، ۲۷ صفر ۱۳۳۸ ه. ق؛ بحث در مورد اصلاحات در آستان قدس برای چند سال ادامه داشت، برای نمونه ر.ک. سرمقاله "ادای فریضه،" /ایران، ۵ رمضان ۱۳۳۹ ه. ق.

شیوه ارجاع به این مقاله

کاظم بیکی، محمدعلی (۱۳۹۹)، «سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس رضوی (۱۳۳۴-۱۳۳۵ ه. ق)»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۱۰، ش ۱. doi: 10.30465/shc.2020.27882.1995

کتابنامه

آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

India Office, UK

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره سوم تقنینیه

روزنامه های تاریخی:

ایران

رعد

زبان آزاد

شهاب ثاقب

عصر جدید

وطن

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۶۳، المآثر و الآثار، بکوشش ا. افشار، اساطیر، تهران.

اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ۱۳۶۷، بکوشش م. ا. رضوانی، دنیای کتاب، تهران.

سوء مدیریت در ایران عصر قاجاریه: تشکیلات آستان قدس ... (محمدعلی کاظم بیکی) ۲۷۱

اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۱-۱۳۰۳ هـ ق، مطلع الشمس، تهران.
امین لشکر، میرزا قهرمان، ۱۳۷۴، روزنامه سفر خراسان، بکوشش ا. افشار و ر. دریاگشت، اساطیر، تهران.
بهزادی، م. ر.، ۱۳۸۹، "سرقه از کتابخانه سلطنتی؛ بازخوانی پرونده میرزا علی خان کتابدار (لسان الدوله)"، تاریخ معاصر ایران، ۵۳-۵۴، صص ۱۵۳-۱۹۱.
خانیکوف، ن. و.، ۱۳۷۵، سفرنامه: گزارش سفر به مناطق جنوبی آسیای مرکزی، ترجمه ا. یغمائی و او بیگناه، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
خاوری، میرزا فضل الله خاوری، ۱۳۸۰، تاریخ ذوالقرنین، بکوشش ن. افشارفر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

خورموجی، محمد جعفر، ۱۳۴۵، حقایق الاخبار ناصری، بکوشش ح. خدیوچم، زوار، تهران.
دانش پژوه، م. ت.، ۱۳۴۷، "دستورالملوک میرزا رفیعا"، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۶۶-۶۵، صص ۶۲-۹۳.

فاضل بسطامی، نوروزعلی بن محمد باقر، ۱۳۹۰، فردوس التواریخ، بکوشش ع. ر. اکرمی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.

قاضیها، ف.، ۱۳۸۳، "اراج کتابخانه ی سلطنتی بر اساس اسناد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ی ملی"، نامه بهارستان، ۹-۱۰، صص ۲۷۴-۱۸۱.

قاضیها، ف.، "میرزا علی لسان الدوله: تاراج میراث مکتوب"، بخارا، ۸۲، صص ۱۳۸-۱۵۵.

کیانفر، ج.، ۱۳۸۳، "مردم ریگ فرهنگی (ماجرای سرقت از کتابخانه ی سلطنتی بر اساس برخی از اسناد موجود در کتابخانه ی کاخ گلستان)"، نامه بهارستان، ۹-۱۰، صص ۲۷۵-۲۸۶.

گلچین معانی، ا.، ۱۳۴۷، راهنمای گنجینه قرآن، کتابخانه آستان قدس، تهران.

لسان الملک سپهر، میرزا محمدتقی، ۱۳۳۷، ناسخ التواریخ، بکوشش ج. قائم مقامی، امیرکبیر، تهران.

مستوفی، ع.، ۱۳۴۳، شرح زندگانی من، زوار، تهران.

ناصرالدین شاه، ۱۳۶۱، سفرنامه خراسان، بابک، تهران.

نامی اصفهانی، محمد صادق، ۱۳۶۳، تاریخ گیتی گشا، اقبال، تهران.

Cronin, S. 1997, "An experiment in revolutionary nationalism: the rebellion of Colonel Muhammad Taqi Khan Pasyan in Mashhad, April-October 1921," *Middle Eastern Studies*, 33:4, pp.693-750.

Curzon, G. N., 1982, *Persia and the Persian Question*, Longman, Green and Co., London.

Sheikholeslami, R., 1971, "The Sale of Offices in Qajar Iran, 1858-1896," *Iranian Studies*, 4: No. 2/3, pp. 104-118.

"Meshed," 1910, *Gazetteer of Persia*, vol. I, confidential, prepared by the General Staff Headquarters, India, Simla, IOR/L/MIL/17/15/2/1.

“Muhammad Hashim Mirza, Shahzadeh,” 1923, *Who's Who in Persia*, I (Khorasan, Sistan & the Kainat), confidential, prepared by General Staff, India, 1st ed., Delhi, IOR/L/MIL/17/15/11/1, pp.30-31.

“Murteza Quli Khan, Saiyid,” 1923, *Who's Who in Persia*, I (Khorasan, Sistan & the Kainat), confidential, prepared by General Staff, India, 1st ed., Delhi, IOR/L/MIL/17/15/11/1, p. 36.

Sykes, P. 1951, *A History of Persia*, 3rd ed., Macmillan, London.

_____. 1910, “Historical Notes on Khurasan,” *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 42: 4, pp. 1111-1154.

“Zahir-ul-Islam,” 1923, *Who's Who in Persia*, I (Khorasan, Sistan & the Kainat), confidential, prepared by General Staff, India, 1st ed., Delhi, IOR/L/MIL/17/15/11/1, p. 59.

Watson, R. G., 1866, *A History of Persia*, Smith, Elder and Co., London.

